

گزیده سندی از اسناد امنیت ملی آمریکا، کتاب الکترونیکی شماره ۲۸

تحقیق و ترجمه از: دکتر بهرام نوازی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

تاریخ: ۱۳۷۹/۵/۲۸

چند روز پیش در یکی از گشت های خود در دریای بیکران اینترنت در سایت اسناد امنیت ملی آمریکا<sup>۱</sup> سند بسیار مهمی را از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آمریکایی و انگلیسی در ایران مشاهده کردم. این سند بتازگی و با تلاش فراوان و پیگیری های قضایی اداره اسناد امنیت ملی مجوز انتشار دریافت کرده و برای اولین بار در ۱۶ آپریل ۲۰۰۰ برابر ۲۸ فروردین ۱۳۷۹ در مقاله ای در روزنامه نیویورک تایمز<sup>۲</sup> مطرح و اسناد آن در شبکه جهانی اینترنت در معرض دید جهانیان قرار گرفت. این سند نکات جالب و تازه ای را درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برملا می کند که تاکنون نسبت به آن اطلاع درستی در دست نبوده است. درباره این سند دو تن از ایران شناسان آمریکایی مقدمه ای نوشته اند که قبل از پرداختن به سند، نظر خوانندگان محترم را به این دو مطلب جلب می کنم. نکته مهم این است که بنظر طراحان کودتا وضعیت ایران مطابق با منافع آمریکا و بریتانیا نبوده و برای اقدام در ایران از همه ابزار لازم و از هر مخالفی (و به هر دلیلی که مخالف باشد) از جمله چهره های وجیه مذهبی و ملی نیز بهره برداری کرده اند. بنظر آنان رضایت و همگامی شاه با آنها مطلوب است اما لازم نیست یعنی طرح کودتا حتی در صورت مخالفت شاه باید با تکیه بر کلیه عوامل انسانی و غیر انسانی خود در ایران به اجرا درآید. نکته پایانی اینکه در برگردان این سند تاریخی به فارسی سعی کردم که امانت کامل را رعایت کنم و مطالبی که داخل پرانتز ( ) آمده است توضیحات خود نویسندگان است و مطالبی که داخل کروشه [ ] آمده است از آن خودم می باشد. از آنجا که متن اسناد قدیمی و مربوط به دست کم ۴۰ سال پیش است و نویسندگان بیشتر تاریخدان بوده اند تا خبرگان سیاست، به همین دلیل برخی واژه ها بگونه ای بکار رفته که در ادبیات کنونی علوم سیاسی و روابط بین الملل نشانه بی سوادی تلقی می شود. برای مثال از انقلاب نظامی (Military Revolution) لابد قصد شورش نظامی (Military Revolt) داشته است یا در بیشتر موارد از کلمه حکومت (Government) بجای دولت (State) استفاده شده است. همه این موارد دقیقا در ترجمه رعایت شده است چرا که احتمال می دهم نویسنده در کاربرد این کلمات هدفی داشته که برایم پنهان مانده است. امیدوارم توانسته باشم قدمی در راه شناختن و شناساندن زوایای تاریک تاریخ و تکنیک های سیاست خارجی قدرت های بزرگ رقیب در ایران برداشته باشم.

تاریخچه محرمانه اداره اطلاعات مرکزی (CIA) درباره کودتای ۱۳۳۲

نوشته ملکوم بیرن (Malcolm Byrne)

تاریخ: ۲۱ آپریل ۲۰۰۰ برابر با ۲ اردیبهشت ۱۳۷۹

تاریخچه عملیات تی پی ای جکس (TPAJAX) اداره اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) که گزیده ای از آن در زیر آمده است اولین بار توسط جیمز رایزن (James Risen) در سرمقاله ۱۶ آپریل ۲۰۰۰ (۲۸ فروردین ۱۳۷۹) در روزنامه نیویورک تایمز منتشر شد و آنگاه آن را در وب سایت این روزنامه در اینترنت به نشانی [nytimes.com](http://nytimes.com) قرار داد. این سند بسیار مهم یکی از آخرین اجزاء عمده معمایی است که نقش های آمریکا و بریتانیا را در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر علیه محمد مصدق نخست وزیر ایران تشریح می کند. این سند که در مارس ۱۹۵۴ توسط دونالد ویلبر (Donald Wilber) یکی از طراحان اصلی عملیات نوشته شد در ۲۰۰ صفحه بود و در اصل یک گزارش بعد از عمل بود که ظاهرا در برخی موارد بر تلگرام هایی بوده که عوامل اداره ارسال کرده بودند مبتنی بود و در پاره ای دیگر بر مصاحبه هایی که خود ویلبر در آستانه تکمیل عملیات با عواملی که در منطقه عملیاتی در ایران بودند انجام داده بود.

همچنانکه تاریخدانان مدت ها در پی آن بودند، تاریخچه ویلبر دارای همه ویژگی های ارزشمند است برای اینکه یکی از نسبتا معدود اسنادی است که از میان مقادیر نامعلوم از اسنادی که بنا به اظهار جیمز وولسی (James Woolsey) رئیس پیشین اداره سیا، توسط ماموران این اداره (ظاهرا بطور معمول) در دهه ۱۹۶۰ نابود شده است همچنان باقی مانده است. با اینحال بر طبق یک بررسی که از سوی اداره اسناد و مدارک ملی در مارس سال ۲۰۰۰ منتشر شده است، "در خلال سال های ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۳ در واقع هیچ برنامه ای برای نابود کردن مدارک مربوط به اقدامات پنهانی وجود نداشته است و در نتیجه نابودی مدارک مربوط به ایران غیر مجاز بوده است." (ص ۲۲) اداره سیا اکنون می گوید که در حدود ۱۰۰۰ صفحه سند در گاوصندوق های این اداره در لاک و مهر قرار دارد.

در خلال دهه ۱۹۹۰ سه تن از رؤسای اداره سیا یکی پس از دیگری وعده کردند که اسناد ارزشمند تاریخی درباره ایران و ۱۰ عملیات پنهانی گسترده دیگری را که در دوره جنگ سرد صورت گرفته است مورد بازنگری قرار داده و منتشر کنند. اما در سال ۱۹۹۸ جورج تنت [George Tenet](http://George Tenet) رئیس کنونی اداره سیا با اعلام محدود کردن منابع، عهدشکنی کرد و همین موجب شد که اداره اسناد امنیت ملی در سال ۱۹۹۹ دادخواستی را برای انتشار تاریخچه عملیات ۱۹۵۳ در ایران و یکی دیگر که بنظر می رسید هنوز وجود داشته باشد به دادگاه تسلیم کند. تاکنون اداره سیا موفق شده که از آزاد کردن این دو سند خودداری کند و از ۳۳۹ صفحه تنها یک جمله آشکار کرده است و آن اینکه "سرفرماندهی ها [ی سیا و اس آی اس] یک روز تمام را با افسردگی و

نامیدی گذراندند. ” ویلیام مک نایر (William McNair) مامور بازنگاری اطلاعات در یک بیانیه آتشین خطاب به مدیریت عملیات اداره سیا مدعی شد هر قسمت دیگری از این سند بیش از آن یک عبارتی که قبلا در خاطرات ویلبر منتشر شده است می تواند “به تحقیق خسارات جدی را برای امنیت ملی ایالات متحده بوجود آورد. ” نیازی به گفتن ندارد که “مامور پیشینی” که این سند را به روزنامه نیویورک تایمز داده است با این طرز تلقی مک نایر موافق نبود. این پرونده همچنان نزد یک قاضی فدرال در دست بررسی است.

به منظور افشاء کردن این تاریخچه، تایمز لندن (The Times) احتمالا بطور موقتی تصمیم گرفت که یک خلاصه و چهار ضمیمه سند اصلی را مجددا منتشر کند. علت اینکار این بود که متن اصلی مملو بود از نام ها و نشانی های ایرانیانی که با اداره سیا همکاری کرده بودند و این افراد ممکن است همچنان در ایران بسر ببرند و افشای این سند احتمالا می تواند موجب انتقام کشی برای رفتارشان در سال ۱۹۵۳ شود. تایمز متن زیر را به همراه گزیده ای از سند یاد شده در وب سایت خود قرار داد:

“تاریخچه محرمانه کودتای ۱۹۵۳ اداره سیا در ایران یک سند حدودا دویست صفحه ای شامل شرح و بسط خود نویسنده عملیات و یک سری اسناد برنامه عملیات ضمیمه می باشد. نیویورک تایمز مقدمه و بسیاری از اسناد برنامه عملیات را در وب سایت خود در معرض دید عموم قرار داده است. اما تایمز پس از مشورت با تعدادی تاریخدان برجسته تصمیم گرفت قسمت اصلی متن را منتشر نکند. آنها معتقد بودند احتمالا برای برخی از آن نام ها خطرات جدی بوجود آید و در ایران بعنوان عوامل بیگانه مجازات شوند.”

“از آنجا که خلاصه مقدماتی و متن اصلی سند در چند تاریخ و واقعه با هم سازگار نیستند، خواننده ممکن است متوجه یک ناهمگونی شود. این برای بدین خاطر است که تایمز در گزارش خود به جزئیات سند اداره سیا که اینجا منتشر نشده است استناد کرده است. گذشته از این، برخی نام ها و مشخصات هویتی از اسنادی که در وب قرار داده شده است پاک شده است.”

اداره اسناد امنیت ملی تصمیم گرفته است که بخش هایی از این تاریخچه را که از سوی تایمز منتشر شد در وب سایت خود قرار دهد تا مطمئن شود که این سند غیرعادی تا جایی که ممکن است به اطلاع عموم برسد. با تشکر از پیمان عربشاهی این نسخه سند برخلاف نسخه تایمز قابل بازیابی و چاپ است و هیچ حق تالیفی بر اسناد دولتی ایالات متحده آمریکا وجود ندارد.

اداره اسناد امنیت ملی بعنوان یک خلاصه مقدماتی ولی کامل، در اینجا یک تحلیل مقدماتی از سند را منتشر می کند. این مقدمه نوشته پروفیسور مارک گازیوروسکی (Mark Gasiorowski) از دانشگاه دولتی لوئیزیانا و برجسته ترین پژوهشگر کودتای ۲۸ مرداد و عضو هیات مشورتی این اداره درباره روابط ایران و آمریکا می باشد.

مطالب جدید درباره کودتای ۲۸ مرداد در سرمقاله روزنامه نیویورک تایمز ۱۶ آپریل ۲۰۰۰ و اسنادی که در وب سایت این روزنامه قرار گرفت.

نوشته: پروفیسور مارک گازیوروسکی

تاریخ: ۱۹ آپریل ۲۰۰۰ برابر با ۳۱ فروردین ۱۳۷۹

مقاله نیویورک تایمز مطلب زیاد تازه ای نسبت به مقاله من که در سال ۱۹۸۷ در مجله بین المللی مطالعات خاورمیانه بچاپ رسید و در اسناد خلیج ۲۰۰۰ (Gulf2000) هم موجود است و همچنین دیگر منابع مربوط به کودتا ندارد. جالبترین نکته جدید این در اینجا این است که عوامل اداره سیا با حملات پیاپی ایدایی خود رهبران مذهبی را بستوه آوردند و منزل یکی از آنها را بمب گذاری کردند تا آنها را به ضدیت با مصدق برانگیزانند. مقاله نمی گوید ولی این احتمالاً از سوی ایرانیانی که در شبکه (BEDAMN) مشغول فعالیت بودند و در مقاله ام تشریح کرده ام صورت گرفته است. برخی جزئیات هم درباره چگونگی متقاعد کردن شاه از سوی ایالات متحده برای موافقت با کودتا برملا شده از جمله اعلامیه ای که نشان می دهد اسدالله رشیدیان در این تلاش سهیم بوده و ژنرال شوارتزکف (Schwartzkopf) هم نقش بیشتری در این باره نسبت به آنچه که قبلاً می دانستیم بازی کرده است. جزئیات دیگری نیز در این مقاله گزارش شده که من می دانستم ولی تمایلی به افشاء آن نداشتم از جمله اینکه دونالد ویلبر (Donald Wilber) و نورمن دربی شایر (Norman Derbyshire) طرح اولیه کودتا را تهیه کردند و طرح کودتا بنام تی پی ای TPAJAX جکس مشهور بود و نه ای جکس خالی (AJAX) (پیشوند تی پی اشاره به این دارد که عملیات باید در ایران به اجرا در می آمد). مقاله نیویورک تایمز درباره یک سری از امور ضد و نقیض درباره کودتا حرفی نمی زند مثلاً اینکه آیا آیه الله کاشانی در سازماندهی جمعیت نقش داشت یا اینکه تیم اداره سیا آن جمعیت ساختگی حزب توده را در راستای تلاش برای کودتا به صحنه کشانده بودند. ممکن است چیزهایی در این موارد در آن تاریخچه ۲۰۰ صفحه ای باشد.

دو سندی که به سند خلاصه مربوط به طرح های عملیاتی کودتا ضمیمه شده خیلی مهمتر از مقاله نیویورک تایمز است. این دو اطلاعات با ارزیابی را در بر دارند. آن ها نشان می دهند که انگلیسی ها گر چه در این کودتا نقش زبردست داشتند ولی با تامین بخشی از منابع مالی کودتا و استفاده از شبکه اطلاعاتی خودشان که از سوی برادران رشیدیان هدایت می شد برای نفوذ در نمایندگان مجلس و انجام کارهای دیگر نقش بسیار مهم تری نسبت به آنچه قبلاً می پنداشتیم برعهده داشتند. اداره سیا این طرح کودتا را بعنوان "شبه قانونی" توصیف می کرد و به این واقعیت اشاره می کرد که شاه بطور قانونی مصدق را برکنار کرده بود، ولی

این اداره احتمالاً باید اعتراف می کرد که شاه با رای و نظر خود چنین کاری نکرد. این اسناد بوضوح تبیین می کند که اداره سیا آماده اجرای کودتا بود حتی اگر شاه با آن مخالفت می کرد. گرچه من مطمئن نیستم ولی این احتمال هم مطرح شده است که اداره سیا از پول جعلی ایرانی استفاده کرده تا نشان دهد مصدق اقتصاد را به ورطه سقوط کشانده است. این اسناد نشان می دهد که پیش از کودتا، فضل الله زاهدی و همکاران نظامی او مبالغ هنگفتی پول (دست کم ۵۰۰۰۰ دلار) دریافت کرده بودند تا شاید با آن حمایتشان را بخرند. جالبتر اینکه آنها نشان می دهند که تعدادی رهبران روحانی و انجمن های مذهبی که نامشان محو شده است قرار بود نقش بسزایی در کودتا برعهده داشته باشند. در پایان نویسندگان یا نویسندگان طرح لندن که احتمالاً همان ویلبر و دربی شایر باشند چیزهای ناخوشایندی درباره ایرانیان می گویند از جمله اینکه یک "ناتوانی قابل ملاحظه ای در ایرانیان برای طراحی یا اجرا در شرایط کاملاً عقلایی و منطقی" وجود دارد.

شاید کلی ترین نتیجه ای که بتوان از این اسناد بدست آورد این باشد که اداره سیا بطور گسترده تمام مراحل کودتا را رهبری کرد یعنی نه فقط آن را به اجرا گذاشت بلکه با هدایت بازیگران مختلف مهم سیاسی ایرانی و بهره گیری از تبلیغات و دیگر ابزار نفوذ بر افکار عمومی علیه مصدق، زمینه کودتا را فراهم ساخت. این همان نکته مهمی است که در مقاله من و دیگر اسناد منتشر شده نیز بدان اشاره شده اما در این اسناد دقیقاً تصریح شده و مورد تصدیق قرار گرفته است. به اعتقاد من این اسناد، استدلالی را که بطور فراگیر در میان حلقه تبعیدیان سلطنت طلب ایرانی وجود دارد و می گوید که کودتا یک "تهدیه مردمی" مشروع به نمایندگی از شاه بوده است رد می کند.

در پاسخ به سؤالات نیک کی (Nikki Keddie) استاد دانشگاه UCLA درباره اینکه آیا مقاله نیویورک تایمز داستان را بطور واقعی بیان کرده من باید بگویم که تا زمانی که آن سند ۲۰۰ صفحه ای بیرون نیامده است نمی توان آن را تصدیق کرد. نکته دیگری که نیک کی مطرح می کند هم مهم است؛ اینکه این اسناد بیش از آنکه مبتنی بر حقیقت باشد نشانگر تعصبات مشخصی است که نویسندگان آن داشته اند. ویلبر در زمانی که کودتا اتفاق می افتاد در ایران نبود و برداشت وی از کودتا تنها متکی بر گزارش هایی بوده که کرمیت روزولت<sup>۳</sup> (Kermit Roosevelt) و دیگر مباشران کودتا ارسال کرده بودند. برخی از حقایق در جریان این دریافت و ارسال گزارش ها بطور اجتناب ناپذیری مفقود شده و یا مورد سوء برداشت واقع شده است مخصوصاً بخاطر اینکه وقایع بسرعت در حال تحول و تغییر بوده است. من تردید دارم که بگویم خطای فاحشی در آن تاریخچه ۲۰۰ صفحه ای وجود داشته باشد. درست است که ویلبر تعصبات خود را داشته است ولی او قطعاً یک تاریخدان لایقی بود. من هیچ دلیلی نمی بینم که او خواسته باشد این واقعیات را تحریف کند.

نکات چند دیگری نیز در اینجا مطرح است. من فکر می‌کنم که این اسناد مدتی پیش از سخنرانی اخیر مادالین آلبرایت وزیر خارجه آمریکا به روزنامه نیویورک تایمز داده شده است و همین بطور ضمنی نشان می‌دهد که تلاشی برای منحرف کردن توجه عمومی یا اضافه کردن مطالبی به سخنرانی آلبرایت توسط یک "مامور پیشین" گمنام که این اسناد را در اختیار نیویورک تایمز قرار داده است در نظر نبوده است. من فکر می‌کنم که هنوز دلایلی هست که امیدوار باشیم آن سند ۲۰۰ صفحه ای قطعا روزی توسط نیویورک تایمز منتشر شود. من جدا امیدوارم که چنین شود.

اسناد

تاریخچه خدمات پنهانی اداره سیا، "سرنگونی مصدق نخست وزیر ایران نوامبر ۱۹۵۲ تا اگوست ۱۹۵۳"، "مارچ ۱۹۵۴ (گزیده)، توسط دکتر دونالد ویلبر.

صفحه روی جلد: فهرست موضوعات و خلاصه.

ضمیمه A: طرح اولیه عملیات برای تی پی ای جکس آنچنانکه که از نیکوزیا برای سرفرماندهی ها در ۱ جون ۱۹۵۳ [برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۳۲] مخابره شده است.

ضمیمه B: نسخه "لندن" برای طرح عملیاتی تی پی ای جکس.

ضمیمه C: یادداشت وزارت خارجه آمریکا به تاریخ ۲۳ جولای ۱۹۵۳ [برابر با ۱ مرداد ۱۳۳۲] از مارکینز سفیر بریتانیا به اسمیت معاون وزیر خارجه آمریکا.

ضمیمه E: ارزیابی نظامی: درس هایی که از تی پی ای جکس گرفته شد. بازگشت به ابعاد طراحی نظامی کودتا

برگ تاریخی سی اس

شماره ۲۰۸

تاریخچه خدمات پنهانی

سرنگونی مصدق نخست وزیر ایران

نوامبر ۱۹۵۲ تا اگوست ۱۹۵۳

تاریخ نگارش: مارچ ۱۹۵۴

تاریخ انتشار: اکتبر ۱۹۶۹

نوشته: دکتر دونالد ان ویلبر

یادداشت تاریخ نویس

این گزارش بنام سرنگونی مصدق نخست وزیر ایران در مارچ ۱۹۵۴ توسط دکتر دونالد ان ویلبر که نقش فعالی در عملیات داشته نگاشته شده است. این مطلب بدین خاطر نوشته شد که بنظر پسندیده می رسید علاوه بر اسناد موجود و تازگی خاطراتی که افراد درگیر در عملیات نوشته بودند، یک سابقه ای مضبوط از یک عملیات بزرگ تهیه شود. از این گذشته به مصلحت دیده شد که بر برخی از نتایجی که بعد از تکمیل عملیات بدست آمده بود تاکید شود و برخی از اینها را بصورت توصیه های کاربردی برای عملیات مشابه در آینده ارائه کنیم.

اسناد مربوط به عملیات که در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته است در پرونده های طرح تی پی ای جکس هستند که توسط شاخه ایران از بخش خاور نزدیک و آسیای جنوبی نگهداری می شود.

همه نام های خاصی که در این گزارش آمده است جملگی با دقت مورد بازنگری قرار گرفته است. تلاش بسیاری شد که اسامی کوچک و دیگر هر فردی مشخص شود. حذف هر نام کوچک یا دیگر اسامی نشان می دهد که اطلاعات بیش از این در دسترس نبوده است.

دین ال داج (Dean L. Dodge)

بخش خاور نزدیک

مامور تاریخ نویسی مارچ ۱۹۶۹

## خلاصه

در پایان سال ۱۹۵۲ دیگر معلوم شده بود که حکومت مصدق در ایران قادر به دست یافتن به توافقی با کشورهای غربی ذینفع نبود، به مرحله خطرناک و وضعیتی شدیداً غیرقانونی رسیده بود، از جنبه اقتصادی به حالت ورشکستگی نزدیک شده بود، با طولانی کردن مدت نخست وزیری مصدق به قانون اساسی ایران بی توجهی کرده بود، همه اینها بطورکلی از طمع مصدق به سلطه جویی شخصی ناشی شده بود، سیاست های غیرمسئولانه مبتنی بر احساس حاکم شده بود، شاه و ارتش ایران تا اندازه مخاطره آمیزی تضعیف شده بود و همکاری نزدیک و صمیمی با حزب توده کمونیست ایران برقرار شده بود. با توجه به این عوامل حدس زده می شد که ایران در خطر واقعی سقوط به آن سوی پرده آهنین [کنایه از اتحاد شوروی است] قرار گرفته است و اگر چنین می شد یک پیروزی برای شوروی ها در جنگ سرد و یک شکست برای غرب در خاورمیانه بشمار می رفت. هیچ راه علاجی غیر از طرح اقدام پنهانی که بشرح ذیل است نمی توانست وضعیت موجود امور در ایران را بهبود بخشد. هدف طرح تی پی ای جکس زمینه سازی سقوط حکومت مصدق، برقراری مجدد شرافت و قدرت شاه و جایگزینی حکومت مصدق با حکومت دیگری بود که می توانست مطابق با سیاست های سازگاران بر ایران حکومت کند. بطور دقیق تر هدف این بود که یک حکومتی به قدرت برسد که بتواند به یک توافق نفتی منصفانه ای دست یابد و کمک کند که ایران از نظر اقتصادی روی پای خود بایستد و بتواند بدهی های مالی خود را بپردازد و حزب بسیار پر قدرت کمونیست را قاطعانه تحت پیگرد قانونی قرار دهد.

وزیر خارجه آمریکا در مارچ ۱۹۵۳ زمانی که بطور قطع معلوم شده بود دیگر به منافع آمریکا نیست که حکومت مصدق در قدرت باقی باشد به اداره سیا چنین اطلاع داد و این اداره نیز اقدام به تهیه طرحی کرد که آن اهدافی را که در بالا گفته شد بتواند از طریق اقدام پنهانی جامه عمل بپوشاند. در ۱۶ آپریل ۱۹۵۳ [برابر با ۲۷ فروردین ۱۳۳۲] یک ارزیابی مقدماتی بنام "عوامل مؤثر در سرنگونی مصدق" آماده شد. در اینجا بود که سرنگونی مصدق از طریق عملیات پنهانی تعیین گردید. در همین ماه به اداره سیا ماموریت داده شد که رهبری عملیات پیش بینی شده را با همکاری سرویس اطلاعات مخفی بریتانیا (SIS) برعهده گیرد. در پایان این ماه تصمیم گرفته شد که ماموران اداره سیا و سرویس اس آی اس (SIS) در قبرس طرحی را تهیه کنند و به سرفرماندهی های اداره سیا و سرویس اس آی اس تسلیم کنند و در نهایت برای تایید نهایی به وزارت خارجه آمریکا و بریتانیا ارسال گردد. در سوم جون ۱۹۵۳ [برابر با ۱۳ خرداد ۱۳۳۲] لوی ولسلی هندرسون (Wesley Loy Henderson) سفیر ایالات متحده در تهران به ایالات متحده بازگشت و بطور مفصل در زمینه واقعیت و اهداف آنچنانکه در بالا گفته شد و همچنین درباره نیات اداره سیا در طراحی ابزار پنهانی دستیابی به این واقعیت و اهداف طرف مشاوره قرار گرفت.

طرح در ۱۰ جون ۱۹۵۳ [برابر با ۲۰ خرداد ۱۳۳۲] تکمیل شد. در این زمان آقای کریمت روزولت رئیس بخش خاور نزدیک و آفریقای اداره سیا (کسی که حامل دیدگاه های وزارت خارجه، اداره سیا و هندرسون سفیر بود) و آقای هوگر گولران (Hoger Golran) رئیس پایگاه سیا در ایران و دو مامور دیگر طراح اداره در بیروت ملاقات کرده و طرح را مورد بررسی قرار داده بودند. طرح پیشنهادی عملیات با اندکی تغییرات در تاریخ ۱۴ جون ۱۹۵۳ [برابر با ۲۴ خرداد ۱۳۳۲] به سرویس اس آی اس در لندن تسلیم شد.

در ۱۹ جون ۱۹۵۳ [برابر با ۲۹ خرداد ۱۳۳۲] طرح نهایی عملیات که مورد توافق آقای روزولت از اداره سیا و سرویس اس آی اس در لندن قرار گرفته بود برای تایید به وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن، به آقای آلن دالس (Allen W. Dulles) رئیس اداره سیا و به سفیر هندرسون تقدیم شد. همزمان سرویس اس آی اس نیز این طرح را برای تایید به وزارت خارجه بریتانیا تسلیم کرد. وزارت خارجه آمریکا می خواست پیش از تایید طرح نسبت به دو مطلب کمال اطمینان را حاصل کند: اینکه حکومت ایالات متحده می تواند کمک لازم را برای حکومت آینده ایران تامین کند بطوریکه آن حکومت بتواند تا دستیابی به توافق نفتی سرپای خود باقی بماند.



اینکه حکومت بریتانیا رضایت خود را از این عملیات و نیت خود را برای دستیابی به یک توافق نفتی سریع با حکومت آینده ایران در چارچوب حسن نیت و انصاف بطور کتبی برای وزارت خارجه آمریکا اعلام کند. وزارت خارجه آمریکا به هر دو این امتیازات دست یافت.

در اواسط جولای ۱۹۵۳ وزارت خارجه آمریکا و بریتانیا مجوز اجرای طرح تی پی ای جکس را صادر کردند و رئیس اداره سیا تاییدیه رئیس جمهور آمریکا را نیز بدست آورد. سرویس اس آی اس با هماهنگی رئیس اداره سیا و سفیر هندرسون پیشنهاد کرد که آقای روزولت فرماندهی عملیات در تهران را در مرحله پایانی عملیات برعهده گیرد. وزارت خارجه آمریکا به سفیر هندرسون توصیه کرد که همچنان در واشنگتن برای مشاوره باقی بماند و تا پایان عملیات بازگشت خود به ایران را بتعویق اندازد. بطور مشترک با سرویس اس آی اس ترتیباتی اتخاذ شد تا با قرار گرفتن یک مامور اداره سیا در قبرس، هماهنگی عملیاتی از این محل و هماهنگی تدارکاتی از واشنگتن انجام شود. ارتباطات سریع سه طرفه از طریق امکانات اداره سیا میان تهران، قبرس و واشنگتن برقرار و زمان عملیات هم نیمه اوگوست تعیین شد.

امکانات و وسایل تبلیغاتی اداره سیا و سرویس اس آی اس در ایران باید در راه مبارزه و تضعیف حکومت مصدق به هر روش ممکن، تلاش های تبلیغاتی خود را از طریق مطبوعات، اعلانیه ها و روحانی های تهران بطور فزاینده ای شدت می دادند. در ایالات متحده مقامات عالیرتبه کشوری باید بیانیه های رسمی صادر می کردند و هرگونه امید حکومت مصدق برای دریافت کمک اقتصادی آمریکا را به یاس تبدیل می کردند و ذهن عموم مردم ایران را نسبت به داستان تخیلی مصدق که تصور می کرد ایالات متحده از حکومتش حمایت می کند آگاه سازند.

تیمسار فضل الله زاهدی که عضو سابق کابینه مصدق بود بعنوان مناسب ترین جایگزین برای نخست وزیری برگزیده شد، برای اینکه او بعنوان تنها فرد هم شان که مستمرا و آشکارا به مخالفت با مصدق برخاسته بود زبانزد شده بود و ادعای چندان مهمی هم در پس اعتراضات وی نبود. اداره سیا با زاهدی تماس برقرار کرد و وی را از نقشه عملیات ما آگاه ساخت و اینکه در نظر دارد وی را بعنوان نخست وزیر جدید منصوب کند. او باید یک ستاد نظامی تشکیل می داد که اداره سیا با هماهنگی این ستاد طرح دقیق ستادی عملیات را تنظیم می کرد.

از ابتدا همکاری شاه بعنوان بخش اساسی طرح مورد توجه بود. همکاری او از این نظر اساسی و ضروری بود که به اقدام پادگان های نظامی تهران دلگرمی می داد و جایگزینی نخست وزیر جدید را مشروعیت می بخشید. از آنجا که شاه خود را بصورت یک فرد دودل و بی اراده نشان داده بود قرار شد که فشار ... [ادامه این قسمت همچنان محرمانه باقی مانده است.]

## طرح اولیه عملیات برای تی پی ای جکس

بگونه ای که از نیکوزیا برای سرفرماندهی ها در اول جون ۱۹۵۳ [برابر با ۱۱ تیر ۱۳۳۲] مخابره شده است.

خلاصه طرح مقدماتی که از سوی فرستادگان سرویس اس آی اس و اداره سیا در قبرس تهیه شده بود:

## I. اقدام مقدماتی

## A. طرح مقدماتی عملیات

۱. اداره سیا مبلغ ۳۵۰۰۰ دلار به زاهدی پرداخت خواهد کرد.
۲. سرویس اس آی اس مبلغ ۲۵۰۰۰ دلار به زاهدی پرداخت خواهد کرد.
۳. برای تامین مبالغ بالا به زاهدی از کانال های محلی سرویس اس آی اس استفاده خواهد شد.
۴. در صورت لزوم اداره سیا کمک مالی به رهبران اصلی نظامی پرداخت خواهد کرد.

## B. کسب همکاری شاه

۱. مرحله اول: متقاعد کردن شاه مبنی بر اینکه پادشاهی متحده بریتانیا و ایالات متحده هدف مشترک دارند و برطرف کردن واهمه بیمارگونه وی از توطئه چینی بریتانیایی بر ضد او.
- (a) سفیر هندرسون به ملاقات شاه خواهد رفت و وی را از کمک مشترک ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا مطلع و مطمئن خواهد ساخت که بریتانیا از وی و نه از مصدق حمایت می کند.
- (b) هندرسون باید به شاه بگوید که فرستاده ویژه ایالات متحده بزودی به وی معرفی خواهد شد تا طرح مشترک ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا را به وی ارائه کند.

۲. مرحله دوم: فرستاده ویژه ایالات متحده شاه را ملاقات و موارد زیر را به وی

تقدیم خواهد کرد:

(a) ارائه به شاه

(۱) هر دو حکومت مساله نفت را در مرحله دوم

اهمیت قرار می دهند.

(۲) موضوع مهم حفظ استقلال ایران و دور نگاه

داشتن آن از مدار شوروی است. برای اینکار

مصدق باید برداشته شود.

(۳) خاندان کنونی بهترین سپر محافظ حاکمیت

ملی است.

(۴) تا زمانی که مصدق در قدرت باشد هیچ کمکی

از ایالات متحده به ایران داده نخواهد گرفت.

(۵) مصدق باید برود.

(۶) کمک مالی ایالات متحده و پادشاهی متحده

بریتانیا به حکومت آینده تحویل خواهد شد.

(۷) پیشنهاد نفتی قابل قبولی ارائه خواهد شد اما

حکومت آینده به پذیرش آن مجبور نخواهد

شد.

(b) تقاضاها از شاه

شما باید در سرنگونی مصدق،

(۲)

رهبری را برعهده بگیرید.

(۳) در غیر اینصورت مسؤولیت سقوط کشور را بپذیرد.

(۴) در غیر اینصورت خاندان پادشاهی سقوط خواهد کرد و حمایت ایالات متحده و پادشاهی متحده از شما متوقف خواهد شد.

(۵) می خواهید چه کسی ریاست حکومت آینده را بدست گیرد؟ (تلاش شود شاه به سمتی سوق یابد که نام زاهدی را ببرد.)

(۶) به وی هشدار داده شود که درباره این پیشنهاد با کسی صحبت نکند.

(۷) طرح عملیات با زاهدی، به مشورت با شما نیز گزارده خواهد شد.

.II توافق با زاهدی

A. پس از توافق با شاه طبق بالا، اطلاع به زاهدی که وی به عنوان رئیس حکومت آینده با پشتیبانی ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا برگزیده شده است.

B. توافق بر سر طرح مشخصی برای اقدام و برنامه زمان بندی شده برای اقدام. دو راه برای به قدرت رساندن زاهدی وجود دارد.

۱ شبه قانونی بصورتی که شاه با صدور یک فرمان سلطنتی زاهدی را بعنوان

نخست وزیر معرفی می کند.

۲ کودتای نظامی

در ابتدا باید شیوه شبه قانونی آزمایش شود. اگر موفق بود دست کم بخشی از امکانات برای کودتای نظامی به اجرا گزارده می شود. اگر هم افاقه نکرد در ظرف چند ساعت کودتای نظامی بوقوع خواهد پیوست.

A. هدف اصلی تامین ۴۱ رای مخالف با مصدق و از طریق ایجاد امکان اتکاء بر ۵۳

نماینده در مجلس بتوان حد نصاب قانونی [در رسمیت یافتن مجلس] را برای حرکت شبه قانونی بدست آورد. (سرویس اس آی اس توجه دارد که ۲۰ نماینده ای که اکنون در اختیار نیستند باید خریده شوند.)

B. نزدیک شدن به نمایندگان از طریق گروه ماموران محلی سرویس اس آی اس. اداره

سیا در جایی که لازم باشد با اعمال فشار بر نمایندگان مجلس و تامین مالی بخشی از بودجه، پشتیبانی خواهد کرد.

IV. روابط با رهبران مذهبی

رهبران مذهبی باید:

A. عدم تایید و ناخشنودی خود را از مصدق بطور گسترده اظهار کنند.

B. اگر لازم بود تظاهرات سیاسی تحت پوشش مذهبی انجام شود.

C. تقویت ستون فقرات شاه.

D. صدور تاییدیه ها و تضمین های پیاپی بعد از کودتا در رادیو و در مساجد مبنی بر

اینکه حکومت جدید به اصول مسلمانان معتقد و وفادار است. بروجردی روحانی سرشناس ممکن است بعنوان عوض خواستار عضویت تشریفاتی کابینه شود یا اجرای اصل فراموش شده قانون اساسی را که یک هیات پنج نفره ملایان (رهبران مذهبی) را برای تصویب اصالت قوانین لازم می داند مورد توجه قرار دهد.

E. [این قسمت لاک گرفته شده است.] باید برای تهدید اقدام مستقیم در مقابل

نمایندگان طرفدار مصدق مورد تشویق قرار گیرند.

V. روابط با بازار

رابط های بازار باید برای پخش شایعات ضد حکومتی و احتمالاً بستن بازار بعنوان اظهار

مخالفت با حکومت مورد استفاده قرار گیرد.

VI. حزب توده

زاهدی باید واکنش خشونت طلبانه حزب توده را در نظر داشته باشد و برای مقابله با شورش فراگیرتر آمادگی پیدا کند.

A. بازداشت رهبران دست کم ۱۰۰ حزب و گروه پیشرو.

B. محاصره جنوب تهران برای جلوگیری از رخنه تظاهرات حزب توده.

C. از طریق شبنامه ها اعضای توده راهنمایی شوند که اقدامی صورت ندهند.

VII. مطبوعات و برنامه تبلیغات

A. پیش از کودتا تبلیغات ضد مصدق شدت یابد.

B. زاهدی باید سرعت مدیر مسؤول مطبوعات و تبلیغات دولتی را منصوب کند که

بتواند:

۱ همه گزارش های خارجی را خلاصه برداری کند.

۲ بیانیه های رسمی از پیش آماده ایالات متحده و پادشاهی

متحده بریتانیا را منتشر کند.

۳ از رادیو تهران بیشترین استفاده را ببرد.

VIII. روابط با قبایل

A. کودتا موجب تحریک گروه های ایلاتی بختیاری، لرها، کردها، بلوچی، ذوالفقاری،

ممسنی، بوئر احمدی و خمسه نخواهد شد.

B. مشکل عمده بی طرف کردن رهبران ایلاتی قشقایی است.

IX. کارگزاران سرنگونی شبه قانونی

A. در این لحظه بیشترین توجه باید به طرح باصطلاح ... [این قسمت لاک گرفته شده

است] جلب شود که در آن انبوه تظاهرکنندگان بنام مذهب در محوطه های مجلس به بست می نشینند.

عوامل در اختیار رهبران مذهبی باید به آنهایی که از سوی تجار بازار حمایت می شوند ملحق شوند. اینها با

گروه های تحت اختیار سرویس اس آی اس به ۴۰۰۰ نفر می رسد و عوامل اضافی تحت حمایت اداره سیا هم باید به آنها بپیوندند.

B. این حرکت بست نشستن باید بطور گسترده ای بر پایه دو زمینه نارضایتی عمومی از حکومت مصدق بر طبق زیر تبلیغ شود:

۱ زمینه اول اینکه همچنانکه پیمان های کاملاً آشکار مصدق با حزب توده و همچنین با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نشان می دهد حکومت مصدق اساساً ضد مذهبی است. دقیقاً پیش از این حرکت، اداره سیا باید درباره اسناد جعلی که نشان می دهد توافق محرمانه ای میان مصدق و حزب توده صورت گرفته است بیشترین تبلیغات را انجام دهد.

۲ زمینه دوم اینکه مصدق با دیکتاتوری [این قسمت لاک گرفته شده است] خود، کشور را به یک اقتصاد کاملاً ورشکسته ای سوق می دهد. دقیقاً قبل از این حرکت اداره سیا باید درباره شواهدی از انتشار غیر قانونی اسکناس بیشترین تبلیغات را صورت دهد. اداره سیا احتمالاً توانایی چاپ نقش هایی را که بطور عالی از روی ارز ایران جعل شده است دارد. با شروع تبلیغات می توان این نقش ها را بارها تجدید چاپ کرد.

C. بست نشستن مذهبی باید در سپیده دم روز کودتا و بدون وقفه پس از تلاش مجلس برای طرح استیضاح حکومت انجام شود. در پی این اقدام باید مصدق برکنار شود و زاهدی بعنوان نخست وزیر منصوب گردد. کودتا اگر موفق آمیز پیش برود، تا اوایل بعد از ظهر تکمیل خواهد شد. در صورتی هم که به موفقیتی دست نیابد، کودتا باید تا اواخر شب ادامه یابد.

## نسخه "لندن" از طرح عملیات تی پی ای جکس

۱	مقدمه	I
۲	طرح عملیاتی	II
۲	حمایت مقدماتی از مخالفان حکومت مصدق	A
۳	نقش شاه بعنوان نقطه کانونی مخالفان	B
۴	مرحله اول	۱
۵	مرحله دوم	۲
۷	مرحله سوم	۳
۹	توافق با زاهدی رهبر مخالفان	C
۱۰	سازمان برای آماده کردن سرنگونی	D
۱۱	سازمان برای آماده کردن کودتا	۱
۱۱	ستاد نظامی	a
۱۱	وظایف ستاد	b
۱۳	اقدام در روز کودتا	c
	سازمان برای ایجاد بیشترین مخالفت عمومی با مصدق پیش از کودتا	۲
۱۵	برنامه های کلی	a
۱۵	وظایف عوامل ویژه	b
۱۵	مطبوعات و تبلیغات	(۱)
۱۸	مجلس	(۲)
	عوامل سیاسی غیر از	(۳)
	۲۰	حزب توده
۲۰	رهبران مذهبی	(۴)
۲۲	تجار بازار	(۵)
۲۳	اقدام نهایی بلافاصله پیش از کودتا	c
۲۶	برآورد شانس موفقیت طرح عملیاتی	III
۲۹	ضمایم	IV



سیاست ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا هر دو ایجاب می کند که بعنوان تنها راه حل برای سقوط اقتصادی آشکار در ایران و در نهایت از دست دادن این منطقه و سقوط آن در مدار شوروی، مصدق برداشته شود. تنها از طریق یک طرح جایگزینی مهار شده می توان از یکپارچگی و استقلال این کشور اطمینان حاصل کرد.

تیمسار زاهدی تنها شخصی است که در حال حاضر توانایی رهبری یک حکومت جدید را دارد و می توان به وی در سرکوب نفوذ شوروی - کمونیستی و همچنین انجام اصلاحات اساسی اعتماد کرد.

طرح آنچنانکه در پی می آید از سه مرحله پی در پی تشکیل شده است. دو مرحله اول باید قبل از اقدام نظامی تحقق یابد. این دو شامل دوره حمایت مقدماتی کنونی و مبارزه تبلیغاتی مطبوعاتی می باشد. (به بندهای زیر نگاه کنید.) این مراحل حتی اگر اقدام نهایی نظامی هم صورت نگیرد، برای منافع دوجانبه ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا ارزش واقعی دارند چرا که موقعیت مصدق را بطور فزاینده ای تضعیف و متزلزل خواهد کرد.

هزینه کل برآورده شده مورد نیاز برای اجرای این طرح چیزی معادل ۲۸۵۰۰۰ دلار است که ۱۴۷۵۰۰ دلار آن را سرویس ایالات متحده تامین می کند و ۱۳۷۵۰۰ دلار باقی را سرویس پادشاهی متحده.

#### حمایت مقدماتی از مخالفان حکومت مصدق

برای یک مدت چند ماهه پایگاه عملیاتی ایالات متحده و گروه انگلیسی (برادران رشیدیان) هر دو در تماس نزدیک با زاهدی بودند. گروه انگلیسی مبلغی معادل ۵۰۰۰۰ دلار (برابر چهار تا پنج میلیون ریال) برای این حمایت تامین کرد.

در خلال این مدت مقدماتی که از اول جون ۱۹۵۳ (برابر ۱۱ خرداد ۱۳۳۲) آغاز شد و تا حدود حداکثر دو ماه بعد، ایالات متحده باید ۳۵۰۰۰ دلار و پادشاهی متحده بریتانیا مبلغی معادل ۲۵۰۰۰ دلار تامین می کرد. پرداخت های اولیه این اختصاصات قبلا از طریق پایگاه عملیاتی ایالات متحده پرداخت شده بود.

ادامه پرداخت سهم بریتانیا به منظورهایی که پادشاهی متحده بریتانیا یا پایگاه عملیاتی ایالات متحده از طرف پادشاهی متحده بریتانیا دستور دهد از طریق کانال های موجود صورت خواهد گرفت.

سهم ایالات متحده باید از طریق رابط های مستقیم پایگاه عملیاتی ایالات متحده به منظور مشخص گسترش و تقویت تماس های نظامی و سیاسی زاهدی پرداخت شود.

در اوایل این دوره زاهدی از این حمایت دو سویه و قصد مشترک مبنی بر ادامه تا حتی حمایت شدیدتر کاملاً مطلع خواهد شد.

در خلال این مدت باید با تأکید بر اینکه شاه با تأمین مالی این اقدام در حال حمایت از زاهدی است، فشار بر حلقه رابط های زاهدی همچنان ادامه یابد.

هماهنگی فعالیت پایگاه عملیاتی پادشاهی متحده بریتانیا و ایالات متحده برای توسعه طرح، باید از طریق تماس مستقیم میان ماموران ایالات متحده و گروه بریتانیا حاصل شود. ماموران ایالات متحده به نمایندگی از پادشاهی متحده بریتانیا باید بیش از آنچه در حال حاضر صورت می گیرد با تکیه بر دستورالعمل ها و اقدام در قالب زنجیره ارتباطات بی خطر عمل کنند. اقدام لازم باید صورت گیرد تا اطمینان حاصل شود که سیاست علنی ایالات متحده تا اندازه ممکن با هدف این طرح مطابقت کامل دارد.

#### نقش شاه بعنوان نقطه کانونی مخالفان

این طرح بر اساس این فرض نهفته است که همکاری شاه جلب شود. چنین همکاری به کودتای نظامی بهترین فرصت موفقیت را می دهد. با اینحال در صورت عدم مشارکت داوطلبانه شاه در این طرح هم چنین عملیاتی قابل پیش بینی است. شاه برای اینکه نقش خود را ایفاء کند باید آمادگی ویژه ای کسب کند. وی که طبعاً موجودی بی اراده و دودل است با تردیدها و هراس های مبهمی احاطه شده است. او باید برای اجرای نقشش وادار شود و این نقش نیاز به اندکی سیاست جبران گذشته دارد و باید برای یک مدت حتی کوتاهی ادامه یابد.

ما به شاهدخت اشرف، خواهر همزاد پرقدرت و دسیسه باز شاه هم توجه داریم. وی مناسب ترین فردی است که بنظر می رسد می تواند شاه را به ایفاء نقشش وادار کند. ما مطمئنیم که اشرف مشتاقانه برای زمینه سازی سقوط مصدق همکاری خواهد کرد. بنابراین باید در اقامتگاه کنونی اشرف به دیدارش رفت و ماموریت را به وی تفهیم کرد و وی را به ایران بازگرداند. تماس میان اشرف و پایگاه عملیاتی ایالات متحده باید حفظ شود.

نقش شاه باید در سه مرحله به اجرا گذاشته شود و اشرف باید وی را پیش از آغاز هر مرحله او را آماده کند. اولین مرحله این خواهد بود که شاه متقاعد شود که ایالات متحده و پادشاهی متحده یک هدف مشترک در ایران دارند و در همان حال سعی کند که ترس بیمارگونه "دست پنهان انگلیس" را برطرف کند؛ مرحله دوم این خواهد بود که با کلمات مشخصی به اطلاع وی

رسانده شود که در آینده نزدیک چه چیزی برایش در نظر گرفته شده است. سومین مرحله این خواهد بود که اسناد مشخصی از او گرفته شود. این سه مرحله بشرح زیر به تفصیل آمده است:

### مرحله اول

با توصیه قبلی از جانب شاهدخت اشرف، رهبر گروه بریتانیا به ملاقات شاه خواهد رفت تا وی مطمئن را سازد که ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا اهداف مشترکی در قبال ایران دارند و اینکه هر دو مایلند در مخالفت با مصدق تا بیشترین حد ممکن از وی حمایت کنند. رهبر گروه بریتانیا به شاه خواهد گفت که او در موقعیتی است که ثابت کند بریتانیا در حال حمایت از شاه است و اینکه او، یعنی رهبر گروه، اجازه دارد که از جانب پادشاهی متحده بریتانیا اعلام کند که هر عبارت مهمی را که شاه از میان سخنان متعدد خود انتخاب کند در روز بعد از آن به زبان فارسی از رادیو بی بی سی پخش خواهد شد.

### مرحله دوم

با هشدار پیشاپیش شاهدخت اشرف، ژنرال شوارتزکف (رئیس پیشین هیات نظامی ایالات متحده به ژاندارمی ایران) بعنوان فرستاده ویژه ایالات متحده به شاه معرفی شود. این فرستاده قبلا کاملا نزد شاه شناخته شده است و در نتیجه ماموریت موفقیت آمیزش در ایران در چند سال پیش مورد تعریف و تمجید شاه واقع شده است.

نکات مهمی که او باید به شاه بگوید شامل دو قسمت است: قسمت اول بشرح زیر است:

a. هر دو حکومت در این زمان موضوع نفت را در درجه دوم اهمیت می دانند چرا که مساله مهم تر این است که دو حکومت اراده کرده اند که استقلال ایران را حفظ کنند. هر دو حکومت در حال حاضر مصمم هستند که به ایرانیان کمک کنند که بیماری خودشان بشتابند تا کشورشان از سقوط به دامن شوروی نجات پیدا کند. اگر مصدق همچنان در قدرت باقی بماند سقوط اقتصادی حتمی است و از آنجا که مصدق نفوذ بی حد و حصر کمونیستی را مجاز کرده است، سقوط اقتصادی به تصاحب کشور بدست کمونیست ها منجر خواهد شد.

b. هر دو حکومت چنین احساس می کنند که تداوم وجود خاندان پهلوی بهترین سپر محافظ حاکمیت ملی است.

c. تا زمانی که مصدق در قدرت باشد، کشور هیچ کمک مالی جدیدی از ایالات متحده دریافت نخواهد کرد و کمک فعلی نیز در عمل ممکن است قطع شود.

d. مصدق باید برود.

e. جایگزین او از طریق همان نیروهایی که وی را بقدرت می رساند حمایت شدید هر دو حکومت را دارا خواهد بود.

f. یک پیشنهاد نفتی قابل قبولی ارائه خواهد شد اما هیچ قصد تعجیل یا تحمیل آن به کشور وجود ندارد.

قسمت دوم حاوی این نکات است:

a. شاه حالا و قطعاً در آینده نیز باقی خواهد ماند و بعنوان نقطه کانونی همه نیروهای مخالف مصدق عمل خواهد کرد.

b. اگر شاه موفق به همگامی با این نیروها نشود او بتنهایی مسؤول سقوط کشور و از دست رفتن استقلال آن خواهد بود.

c. اگر شاه نخواهد همکاری کند خاندان سلطنتی او بناچار و بزودی به پایان خط می رسد. ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا برخلاف سوء برداشت های پیشین شاه، هم قبلاً و هم در حال حاضر از او حمایت کرده و می کنند اما اگر اکنون شاه جا خالی کند این حمایت قطع خواهد شد. فرستاده مفاهیم و پیامد های این را برای شاه موشکافی خواهد کرد.

d. شاه اظهار کرده که با جایگزینی زاهدی بجای مصدق موافق است. از این گذشته شاه خواسته است که بودجه حمایت از زاهدی را که حکومت های ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا تامین کرده اند به نام او تبلیغ شود.

e. حکومت های ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا کاملاً موافقتند که زاهدی تنها نامزد بانفوذ است. زاهدی باید برای بدست گرفتن قدرت در آینده نزدیک آماده شود و از کمک ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا برای نیل به موفقیت از هر راه ممکن برخوردار باشد. شاه باید کاملاً از نقشه های زاهدی و اندکی هم از اقدامی که او باید انجام دهد مطلع باشد. در نزدیک ترین زمان ممکن پس از ملاقات

فرستاده ایالات متحده با شاه، رهبر گروه بریتانیا هم ملاقات مشابهی با شاه خواهد کرد تا اظهارات بالا را تاکید کند.

#### مرحله سوم

این مرحله مسؤولیت منحصر بفرد شاهدخت اشرف است. بلافاصله پس از ملاقات های یاد شده در بالا و هنگامی که شاه هنوز زیر تاثیرات آن دو می باشد، اشرف امضاء او را بر سه سند می گیرد. اولین سند تاریخ دار ولی دومین و سومین سند بی تاریخ خواهد بود. اینها عبارت خواهند بود از:

a. یک نامه سرگشاده خطاب به همه افسران وفادار که با حامل نامه در هر تلاشی که او ضروری می بیند برای برقراری مجدد شرافت ارتش، برای بازگرداندن عزت نفس خود و نشان دادن فداکاریشان به شاه و کشور همکاری کنند.

b. یک حکم سلطنتی برای زاهدی بعنوان رئیس ستاد مشترک ارتش.

c. یک فرمان سلطنتی که در آن از همه قشرهای ارتش خواسته باشد که دستورات رئیس ستاد ارتش پس از آنکه منصوب شد با فداکاری اجرا کنند.

این اسناد باید فوراً از کاخ بیرون برده شود: اولین سند باید به زاهدی تحویل گردد و دو سند دیگر در پایگاه ایالات متحده باقی بماند تا زمان نیاز فرا رسد.

پس از تلاش لازم برای صدور این اسناد، برای مدتی ممکن است شاه در یک حالت هیجان باشد. پس از اندی او سر به جیب تفکر فرو خواهد کرد و دچار تردید خواهد شد. در این زمان باید او را از پایتخت بیرون و به یک سفر تفریحی برد. ترجیحاً او خلوت مذهبی در حرم مشهد را انتخاب خواهد کرد. او در این حرم باقی خواهد ماند تا اینکه زاهدی مهار را بدست گیرد و تنها برای دادن تاییدیه رسمی اش به نخست وزیر جدید به پایتخت باز خواهد گشت.

#### توافق با زاهدی

تماس های مستمر ماموران ایالات متحده و عوامل بریتانیا با زاهدی یا فرستادگان او کمک کرده که تصویر نقشه های آزمایشی او و آن دسته عواملی که او از آنها انتظار حمایت دارد بطور فزاینده و شفافی مورد کنکاش قرار گیرد. این موارد و گزارش های اطلاعاتی مربوط به آن در آماده سازی بندهای بعدی که با عنوان "سازمان برای آماده کردن کودتا" در پی خواهد آمد مورد استفاده قرار گرفته است و موارد تکمیلی نیز در قسمت ضمیمه آمده است.

بدنبال تماس های مرحله ای با شاه آنچنانکه در بالا گفته شد، هر دو حکومت ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا مستقیماً به اطلاع زاهدی خواهند رساند که این دو حکومت از طرف شاه، تعهد راسخ وی را در حمایت از او تضمین می کنند و اینکه زمان مناسب برای ورود به اجرای طرح دقیق فرا رسیده است.

نامه امضاء شده شاه که از افسران وفادار می خواست با حامل نامه همکاری کنند به تیمسار زاهدی داده خواهد شد. به او دستور داده خواهد شد که با کمک این نامه همدستان نظامی را به خدمت بگیرد. طرح ایالات متحده و بریتانیا برای اقدام هم با نام "سازمان برای سرنگونی مصدق" به رؤیت زاهدی رسانده خواهد شد و با وی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در صورت ضرورت برای تامین خواست های زاهدی یا توانایی های او، می توان بر این طرح چیزی اضافه یا آن را اصلاح کرد. به زاهدی خاطر نشان خواهد شد که قبل از زمان کودتا این طرح از حمایت پنهانی و کاملاً هماهنگ ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا برخوردار است. هر عامل بالقوه مخالف با مصدق فرا خوانده می شود تا در روز کودتا بتوان حکومت مصدق را با ابزار قانونی سرنگون کرد. به زاهدی خاطر نشان خواهد شد که برای شخصیت و حیثیت حکومت آینده اش بهتر است که اقدام نظامی را محدود به تضمین مهار شهر کند و آن را همزمان با این موفقیت قانونی صورت دهد.

با اینحال اگر شاه نخواست با فرستاده ایالات متحده کنار آید یا از صدور اسناد برای زاهدی خودداری کرد، به اطلاع زاهدی رسانده خواهد شد که در صورت موافقت زاهدی، ایالات متحده و پادشاهی متحده بریتانیا آماده خواهند بود بدون همکاری فعالانه شاه طرح را به پیش ببرند. ما به همه تلاشمان ادامه خواهیم کرد تا شاه را بصورت غیر داوطلبانه هم که شده با خود همگام کنیم و به این ترتیب امیدواریم که به همان نتیجه ای که از مشارکت فعالانه او انتظار داریم برسیم.

سازمان برای آماده کردن سرنگونی

موضوعی که در زیر این عنوان می آید از سوی پایگاه عملیاتی ایالات متحده به زاهدی داده خواهد شد تا با وی به بحث و اصلاح گذاشته شود.

در سر فصل های این قسمت عوامل موجود [از این قسمت تا پایان ضمیمه B همچنان محرمانه مانده است].

یادداشت وزارت خارجه آمریکا به تاریخ ۲۳ جولای ۱۹۵۳ [برابر با ۱ مرداد ۱۳۳۲]

از مارکینز سفیر بریتانیا

به اسمیت معاون وزیر خارجه آمریکا

#### اطلاعات محرمانه امنیتی

دولت پادشاهی [بریتانیا] دیدگاه های وزارت خارجه را آنچنانکه در گزارش مربوط به مکالمه میان آقای باپرود Byroade و آقای بیلی Bealey در ۷ جولای [برابر با ۱۶ تیر] مورد ملاحظه قرار داده و نسبت به آن ها ابراز همدردی وافر می نماید. نکته مهم این است که تمام مساله غرامت باید برعهده داوری بی طرفانه یک دادگاه بین المللی واگذار شود. از این گذشته شرایط هرگونه توافق آتی باید بگونه ای باشد که بنظر نرسد که ما برای زیر پا گذاشتن تعهدات قراردادی جایزه ای می دهیم یا الگوی قیمت های جهانی نفت را بر هم می زنیم. بر این اساس دولت پادشاهی آماده است تا با ارائه یک موافقتنامه مقطعی نهایت کمک خود را برای حل این مشکل بنماید. این دولت همچنین متقاعد شده است که شرکت [نفت انگلیس و ایران] که تاکنون مورد مشورت قرار نگرفته است درباره شیوه ها و مدت پرداخت غرامتی که باید به آن پرداخت شود یک دیدگاه سخاوتمندانه ای اتخاذ خواهد کرد.

بنابراین در پاسخ به پرسش های مشخصی که در گزارش سفارت واشنگتن مطرح شده است نکات زیر توجه شود:

- (a) گرچه این یک امتیازی است اگر بگذارند نفت یکبار دیگر به بازارهای سستی خود (یعنی پادشاهی متحده بریتانیا) جریان یابد ولی پادشاهی متحده بریتانیا می تواند بدون این نفت هم گذران زندگی کند. با این وجود دولت پادشاهی مشتاق است که به حل و فصل اختلافی که روابط آن را با کشور مورد نظر [ایران] مسموم ساخته است و به عامل آشوب در کل منطقه تبدیل شده است بپردازد. بنابراین دولت پادشاهی آماده دستیابی به یک توافق برای همکاری با حکومت جدید است مشروط بر اینکه اصولی که در بند ۲ بالا قید شده است تضمین گردد.

(b) دولت پادشاهی واژگان این طرح را بدین معنی تلقی می کند که ابتکار عمل در دو موضوع زیر به نخست وزیر آینده واگذار می شود؛ یکی اولویت یک موافقتنامه نفتی در ارتباط با برنامه کلی او و دیگری در ارتباط با ماهیت این موافقتنامه. دولت پادشاهی امیدوار است که او [زاهدی] موافقت کند که با نظر مساعد به پیشنهادهای فوریه نگاه کند و البته این پیشنهادهای می تواند وی را در تهیه یک موافقتنامه کمک کند. اگر او هرگونه پیشنهاد دیگری داشته باشد، دولت پادشاهی بریتانیا با همدلی و حسن تفاهم مشابه به آن توجه خواهد کرد ولی همه اینها مشروط بر این است که اصول گفته شده در بالا تضمین شده باقی بماند.



## ارزیابی نظامی

درس هایی که از تی پی ای جکس گرفته شد.

بازگشت به ابعاد طراحی نظامی کودتا

## مساله برآورد نیروها

I

A. اگر اداره سیا مایل باشد که یک حکومت دشمن (Hostile government) را با بکارگیری نیروهای مسلح علیه آن حکومت براندازد آنگاه اداره سیا باید نیروهای دوست را شناسایی کند، با آنها تماس بگیرد و بطور موفقیت آمیزی آنها را بکار بگمارد.

B. تصمیم به تلاش برای یک کودتای نظامی تنها زمانی باید گرفته شود که نیروهای مفید بالقوه حتما موجود باشد. در ارزیابی این وضعیت حتما باید میان "سیاهی لشکر" و "فعالان" تمیز قایل شد. بهنگام ارزیابی امکانات بالقوه، تجربه نشان داده است که داشتن هرچه بیشتر اطلاعات دقیق از زندگی یکایک افراد نظامی که بودنشان می تواند مشکلی را ایجاد را حل بکند شامل دشمنان احتمالی و همچنین دوستان، حیاتی است.

C. اطلاعات زندگی [این افراد] را در مدت زمان کوتاهی نمی توان جمع آوری کرد. اینها باید بطور مستمر و در برگیرنده همه چیز شناخته شده، و لو پیش پا افتاده، درباره شخص افسران باشد. وابسته های نظامی کانال های معمولی برای این گزارش ها هستند ولی گروه های مستشاری نظامی کمکی در صورت امکان بهترین منبع این دست اطلاعات هستند چرا که آنها در کار و تفریح در کنار افسران محلی هستند. ما تجربه کرده ایم که نسبت به این مطلب ضروری تاکید بسیار اندکی می شود؛ چه اندک پرونده های افسرانی که تنها دارای اشارات کوتاهی به مناصب، ترفیعات و نشان های آنها شده است و از همه آن خصوصیات که می تواند نشان دهد یک افسر واقعا کیست، چه چیزی موجب تحریک او می شود، دوستان او کیست و غیره غفلت شده است.

D. پرونده های زندگی افراد در نزد ماموران اداره سیا مستقر در نیروهای مسلح کاملترند ولی این ماموران اغلب در بخش های G-2 و در میان کارمندان ستادی یافت می شوند و نه در میان فرماندهان رزمی.

E. با فرض اینکه اطلاعات زندگی افراد نظامی و انگیزه های آنها به اندازه کافی وجود دارد، وظیفه بعدی ما این است که شخصیت هر فرد نظامی را دقیقاً ارزیابی کنیم. ارزیابی افسران باید با توجه به ارج و قرب آشکار ذهنشان به پیشینه های خدمات محلی آنها انجام شود. برای مثال ارتش در ایران دارای یک پیشینه معاصر شکست است. افسران ایرانی معمولاً بی اراده و دودل هستند و عقده حقارت خود را با های و هوی و سخنان پرطمطراق مخفی می کنند. بنابراین پیدا کردن رهبرانی که آماده اند رهبری کنند و بمیرند یک کار بسیار دشواری است. شاید شاه نمونه خوبی از یک افسر نوعی ایرانی باشد: ضعف های او در سراسر ستاد افسران او قابل مشاهده است.

از سوی دیگر یک رهبر واقعی در ارتش به هم وزن طلا می آرد چرا که او واقعا بسیار بیشتر از هر کشور دیگری که در آن رشادت را بعنوان یک سنت پاس می دارند برای آن ارزش قابل است.

F. پس از آنکه ارزیابی شخصی افسران تکمیل شد، اداره سیا افسران خوب و بد را از میان همه دسته ها و گروه ها شناسایی خواهد کرد. اینجا باید انگیزه های سیاسی و میهنی را تا جای ممکن بخوبی ارزیابی کرد. در ارزیابی افسران محیط سیاسی باید در نظر گرفته شود. چه بسا لازم باشد که با یک عملیات غیر نظامی (KUGOWN) شرایطی ایجاد شود تا انگیزه هایی تقویت یا تضعیف شود و به این ترتیب بتوان امکانات بالقوه ای را که در زمان ارزیابی فاقد بودیم بوجود آوریم.

G. دوستی با "جهان آزاد"، "ایالات متحده"، "ملل متحد"، "استعمار سفید"، و بسیاری دیگر از انگیزه های سیاسی در همه کشورها قابل مشاهده است. اداره سیا در ایران چنین دریافت کرده که افسران بطور عمومی "طرفدار شاه"، "طرفدار مصدق"، یا "بی طرف" بودند. شدت انگیزه های سیاسی افراد متفاوت بود و اغلب نسبت به انگیزه های فردی مثل آرزو،

حسادت، دلخوری افسران جوان از افسران پیر و بر عکس از اهمیت کمتری برخوردار بود. هیچ پیشینه ای از انقلاب های نظامی وجود ندارد، ولی رضا شاه با استفاده از موقعیت نظامی بعنوان یک سکوی پرش مهار حکومت را بدست گرفت. با این وجود انگیزه سیاسی افسران و انگیزه های شخصی در درون محیط سیاسی عواملی بوده و هستند که در ارزیابی افراد نظامی باید مورد توجه قرار گیرد.

H. ارزیابی فرمانده کل قوا یعنی شاه که رئیس دولت نیز می باشد از همین میزان اهمیت برخوردار است. از نظر نظامی، ارزیابی شاه بعنوان فرمانده کل باید شامل عمق نفوذ او، توانایی فرماندهی و شجاعت او در مواقع خطر باشد. فایده وجودی او باید بعنوان نقطه کانونی یا نقطه پیوندی که افراد و گروه های نظامی ممکن است در پیرامون او گرد آیند مورد ارزیابی قرار گیرد.

بدون ذکر دلیلی، ارزیابی ما از کارآمد بودن او در این زمینه ها مثبت است:

۱- رئیس دولت برای برکنار کردن حکومت دشمن.

۲- فرمانده کل قوا بعنوان سمبل اتحاد.

ارزیابی ما در این زمینه ها منفی بود:

۱- فرمانده کل قوا بعنوان طراح و شرکت کننده در اقدام نظامی.

I. با پایان ارزیابی شاه، ما نتیجه گرفتیم که از شاه می توان بعنوان یک سمبل برای تحریک

اقدام از سوی افراد مهم نظامی استفاده کرد.

J. ارزیابی از یکایک افراد نظامی ما را به این نتیجه رساند که به دلایل زیر زاهدی مناسب

ترین افسر موجود برای رهبری نیروها به نفع شاه و در مقابل حکومت دشمن است:

۱. او تنها مرد در ایران بود که آشکارا خواستار نخست وزیری

بود.

۲. او به این ترتیب یک جسارت منحصر بفردی در این اقدام

داشت.

۳. او شجاعت خود را در گذشته نشان داده بود. بعنوان یک سرباز ۲۵ سال خدمت کرده به پاس مقابله با بلشویک ها به درجه سرتیپی نایل آمده بود.

۴. یک پزشک آمریکایی زندگی او را پس از آنکه ۴ دنده او بکلی از بین رفته بود نجات داده بود.

۵. او به طرفدار آمریکا مشهور بود و به پسرش اردشیر اجازه داده بود که به مدت شش سال برای تحصیل به ایالات متحده برود. او یک سرلشگر بود و مورد احترام بسیاری از افسران ارشد و جزء بود.

۶. ویژگی های منفی او عبارت بودند از:

a. او برای مدت چند سال از ارتش کناره گرفته بود و افسران جزء را نمی شناخت.

b. در برخی محافل او بعنوان فرد پولکی شناخته می شد. ظرفیت او برای رهبری کودتا ناشناخته بود؛ او گرچه خود را بیشتر یک فرمانده می دانست ولی هیچگاه با یک افسر ستاد تفاوت نمی گذاشت.

c. بیشتر دوستان او از میان مردم غیر نظامی و تنها معدودی از آنان افسران ارتش بودند.

K. [این قسمت سند لاک گرفته شده بود.]

L. ارزیابی دقیق از سلسله مراتب فرماندهان در پادگان تهران را نمی شد در واشنگتن پیش برد مگر آنکه کارشناسان اطلاعاتی در پایگاه عملیاتی این کار را انجام دهند. برای مثال سرفرماندهی ها نام هیچیک از فرماندهان تیپ تهران را نمی دانستند و با نهایت شگفتی

جی ۲ و پنتاگون [وزارت دفاع آمریکا] هم نمی دانستند. سرفرماندهی ها و جی ۲ و پنتاگون هیچکدام هیچ ایده ای از ترتیب نبرد در ایران نداشتند. بنابراین قبل از آنکه ارزیابی دقیقی از فرماندهان رزمی انجام می شد، پایگاه تهران باید اطلاعات نظامی را که وابسته های نظامی بطور روزمره جمع آوری می کردند به سرفرماندهی ها گزارش می دادند.

M. هنگامی که ارزیابی یکایک افسران در سرفرماندهی ها در حال انجام بود، وزارت خارجه تصمیم اصلی را برای واژگون کردن مصدق به هر روش ممکن اتخاذ کرد. بدون داشتن حتی فهرستی از افسران و وظایف آنها و بدون هرگونه شناختی از امکانات عملیاتی افسرانی که در موقعیت های فرماندهی بودند، این تصمیم هیچ تصویر روشنی از وضعیت نظامی در ایران بما نمی داد. بنابراین جنبش در همه مراحل اقدام نظامی، آنقدر سریع و فوری رخ داد که وظایف و تصمیمات در متزلزل ترین پایه ها اتخاذ شد که البته در غیر اینصورت هم نمی شد.

N. ارزیابی ما از سرتیپ تقی ریاحی رییس ستاد ارتش مصدق با دقت انجام شد. ما او را از نظر محیط عمومی فردی اش از جمله افرادی که وی با آنها زندگی می کرد، افرادی را که از کار برکنار کرده بود، افرادی را که او بر سر کار آورده بود، افرادی را که به دور خودش گرد آورده بود و شخصیت های سیاسی که خود را با آنها همگام کرده بود، مورد مطالعه قرار دادیم. (هیچ تردیدی نبود که مصدق رییس ستاد ارتش خود را خیلی خوب انتخاب کرده بود. ما مطمئن شدیم که ریاحی در یک نبرد سرنوشت ساز، مصدق را همراهی خواهد کرد و نه شاه را.) اما از نظر نظامی، سرتیپ ریاحی چند نقطه ضعف داشت. ما نمی توانستیم مطمئن باشیم ولی دلایلی هم داشتیم که امیدوار باشیم اگر زمان آزمایش پایداری نظامی فرا برسد، ضعف فرماندهی و کمبود تجربه رزمی ریاحی اهمیت خود را بروز خواهد داد. ما شکی در شجاعت و صداقت او نداشتیم. ما پی بردیم که او با سه تن از اعضای برجسته حزب طرفدار مصدق بنام ایرانیان زندگی می کند و اینکه او در واقع یک جناح طرفدار مصدق را در درون ارتش رهبری می کرد. بیشتر کارکنان ستادی وی تربیت شدگان

فرانسه بودند که در کار دفتری بسیار دقیق و موشکاف اما در صحنه عمل و رزم بسیار ساده لوح و بی تجربه.

○. هنگامی که پایگاه شروع به گزارش اطلاعات شخصی سرتیپان و معاونان آنها و سرهنگان و سرگردان در تهران و دیگر نقاط ایران کرد، ما توانستیم وضعیت را با شفافیت بیشتری ارزیابی کنیم. معلوم شد که ضرورت پیدا کرده که بیشتر سرتیپان را دستگیر کرده یا از میان برداریم و امکانات عملیاتی خود را بیشتر در تحت آن سلسله مراتب فرماندهی توسعه دهیم. بعدها ثابت شد که این ارزیابی درست بوده و موجب صرفه جویی زمانی زیادی شد و از نظر امنیتی ما را از آسیب در امان نگاه داشت. بخاطر نیاز فراگیر به امنیت شدید، ما از ابتدا ضرورت دیدیم که فقط به افرادی نزدیک شویم و ارتباطمان را تحکیم بخشیم که با آنها بخوبی می توانستیم روی شانس موفقیت ایستادگی کنیم.

P. از همه آنچه که در بالا گفته شد بسادگی می توان فهمید که داشتن اطلاعات دقیق زندگی برای موفقیت هر عملیاتی که متضمن استفاده گسترده از افراد نظامی باشد چقدر حیاتی است. با یک اشتباه در ارزیابی از یک افسر بسادگی شکست خواهیم خورد و روی همان پاشنه ولی در جهت مقابل هم پیروزی حاصل می شود.

A. اطلاعات نظامی بعنوان پایه ای برای اقدام مورد نظر برای سرنگونی حکومت های دشمن:

II

۱. کارمندان شبه نظامی در هر پایگاهی که اقدام انقلابی احتمالاً مورد نیاز باشد، باید یک نقشه جنگی نگهداری کنند. نقشه ها باید به هر مقیاس ممکن که مورد استفاده باشد گردآوری شود. ترتیب کامل نبرد باید بر یک پایه شناوری قرار بگیرد. موقعیت تدارکات مربوط به مهمات، گازوئیل و بنزین، پوشاک و تجهیزات و غیره باید تحت مراقبت بسیار دقیق باشد. وقتی که تیبی برای هر نفر تنها شش عدد مهمات داشته باشد احتمالاً دیگر نیازی به ارسال یک تیپ برای مقابله با یک حکومت دشمن نیست.

۲. اقدامات دفاعی حکومت های دشمن باید تحت مراقبت دقیق قرار گیرد. در ایران، حکومت مصدق بیشتر وسایل حمل و نقل موتوری را در یک انبار گرد

آورده بود: حکومت او فقط به تانک ها سوخت کافی می داد و آنها مجاز بودند که برای یک ساعت کار کنند: تولید مهمات به مقدار کاملاً اندکی کاهش پیدا کرده بود و از کامیون های حمل مهمات بشدت محافظت می شد. رمز مخابراتی برای ارتش ایران تنها سه هفته قبل از سرنگونی مصدق تغییر کرده بود. [ادامه این قسمت لاک گرفته شده است].

تیمسار ریاحی رئیس ستاد ارتش در دو زمان حساس همه افسران را در پادگان تهران جمع و اشارات هیجان برانگیزی به میهن پرستی آنها کرد و آن را با حمایت از مصدق همانند دانست. به دستور وی سیاهه ای از پلاک های خودرو افسران تهیه شد و در برخی موارد برای افسران مراقب گذاشته شد تا آنها را تعقیب کنند. همچنین برای نظارت بر منازل افسران جاسوسانی گمارده شدند تا ببینند کدام افسر اوقات فراغت خود را خارج از منزل می گذراند.

B. همه تاسیسات نظامی هم که باید به تصرف در آید یا از آن محافظت شود باید مورد مطالعه قرار گیرد. برای این منظور ضروری است نقشه های دقیقی از سرفرماندهی های مهم، از مراکز ارتباطی مهم و غیره تهیه کرد. ما در ابتدای عملیات تی پی ای جکس باستانای چند مطالعه خوبی که برای کارشکنی در تاسیسات غیر نظامی شده بود هیچیک از آن اطلاعات ضروری را نداشتیم.

C. در یک چنین اقدامی، تسخیر افراد و تاسیسات مهم غیر نظامی نیز باید پیشاپیش مورد توجه قرار گیرد. باید بسیاری از منابع اطلاعاتی را برای ارزیابی شخصیت های سیاسی فرا خواند. ولی گردآوری اطلاعات درباره ویژگی های فیزیکی اداره های تلفن، ایستگاههای رادیو، فرودگاه ها و غیره زمانی تا اندازه زیاد میسر می شود که زیر نظر یک کارمند شبه نظامی که می داند بدنبال چیست انجام گیرد: این بدین معنی است که یک افسر کارآمد اطلاعاتی وقتی می تواند این کار را انجام دهد که شم اطلاعاتی خود را با دقت متوجه این مطلب کند.

D. شرایط جوی ممکن است برای موفقیت کاملا حیاتی باشد و دست کم باید از پیش بخوبی مورد توجه قرار گیرد. برای مثال اگر مه دائم وجود داشته باشد، عوامل زمان و فاصله برای طراحی کارمندان ممکن است کاملا دستخوش از هم پاشیدگی شود. باران و طوفان هم چنین می کند. مساله شروع عملیات در روز یا در شب تصمیمی حیاتی است و بستگی به زمینه هایی دارد. در نواحی که محدودیت شبانه رفت و آمد وجود داشته باشد، تحت تاثیر این واقعیت، شرایط ممکن است تغییر اساسی کند. در جاهای دیگر عادات مردم ممکن است مفهوم بیش از اندازه مهمی داشته باشد: برای مثال عادت چرت بعد از ظهر از جمله تعطیلی بیشتر مغازه ها در مناطق تجاری می تواند مهم باشد. همچنین روزی در هفته که بعنوان روز مذهبی مورد احترام است همچون تعطیلات مهم باید برای فایده ممکن آن مورد مطالعه قرار گیرد. روزهایی که گروه های مخالف را بی طرف می کند یا آنها را به بی طرفی سوق می دهد هم باید بدقت مورد مطالعه قرار گیرد: برای مثال آموزش واحدهای نظامی در برخی نواحی بنوبت می چرخد و احتمالا می توان دریافت که یک واحد دشمن را در روزی که احتمال عملیات ممکن باشد از منطقه عملیات عقب راند.

E. اطلاعات نظامی درباره بخش های جی-۱ می تواند بسیار مفید باشد. در برخی از موارد می توان ترتیبی داد که افسرانی که از نظر ما در موقعیت های نامناسبی قرار گرفته اند جایگزین یا منصوب گردند. جایگیری یک فرد مناسب در محل مناسب در زمان مناسب مهمترین عامل در همه عملیات نظامی است و نباید از آنها تحت هیچ شرایطی در این دست عملیات غفلت کرد.

F. اقداماتی که علیه شما ممکن است به اجرا درآید باید بدقت مورد مطالعه قرار گیرد و شما باید پیشاپیش و قبل از آنکه در حقیقت تاثیر خود را بگذرانند از این دست اقدامات باخبر شوید. باید درک کرد که بخش های جی-۲ از راه های مختلف می تواند مورد استفاده قرار گیرند. با دادن اطلاعات انحرافی درباره وجود تلگراف های نظامی به بخش های جی-۲، می توانید در جایی که موجب هول و هراس در اردوی دشمن می شود استفاده مطلوب کنید. در ایران این واقعیت که گروه های بسیاری از افسران مظنون به طراحی کودتا شده



بودند کمک بسیاری به ما کرد. با شدت یافتن تنش، گزارش هایی از این دست نیز افزایش یافت. گرچه اینها موجب هشیاری حکومت دشمن می شد ولی صحنه را نیز بنفع فعالیت های ما و دوستان ما تاریک می ساخت. موضوع کلی این است که هر مساله بطور طبیعی باید تحت شرایط محلی مطالعه شود ولی تجربه ما می تواند در جایی که شرایط مشابهی وجود دارد قدری مفید باشد.

G. این امکان نیز کاملا وجود دارد که دیگر گروه های نظامی تشکیل شوند تا به نبرد با حکومت دشمن پردازند و در این مورد ما باید بدانیم آنها که هستند و چه می خواهند بکنند. ممکن است لازم باشد برخی از این گروه ها را از هم جدا کنیم یا اینکه با نیروهایمان آنها را بهم پیوند دهیم. در هر دو مورد اقدام ما باید با ظرافت و بر اساس اطلاعات بسیار خوب انجام شود. نسبت به تحریک باید هشیار بود و مراحل جبرانی نیز بگونه ای طراحی شود تا بهنگامی که هر یک از دوستان ما به دام افتاد بکار آید.

H. اطلاعات مربوط به دوستان ما شاید مهمترین موضوع گردآوری باشد. ارزیابی مستمر موقعیت امنیتی خودمان برای تصمیم گیری جاری باید در سرلوحه توجهات ما باشد. در ایران، ما پس از یک ارزیابی بسیار سریع در حالیکه کاملا به خطری که می کردیم واقف بودیم سرهنگان جوان را ساخته و به خدمت خود در آوردیم؛ در همان حال کند و کاو خود را برای یافتن اطلاعات بیشتر درباره این اعضای جدید آغاز کردیم.

I. اگر بتوان امکاناتی را که مبنای اقدامات دوستانمان است بطور محرمانه توسعه داد در خواهیم یافت که بشدت مفید خواهند افتاد چرا که وضعیت نظامی می تواند بشدت شناور شود. به همین دلیل دانستن اینکه چه کسی زخمی و دستگیر شده یا جا خالی کرده و غیره کاملا حیاتی است. بهنگام بروز شکاف امنیتی، نیاز به هشدار سریع شدیدا احساس می شود؛ هشدار می که قادر به دریافت باشد و دیگر امکانات را مطلع سازد. این بویژه در طی مراحل اقدام ضرورت دارد.

J. واری های امنیتی روز به روز ممکن است تغییر کند و ما باید اطلاعاتی درباره تمام موضوع داشته باشیم. برای مثال در حین یک وضعیت بسیار متزلزل نظامی لازم بود که

یکی از افسران همراه با یکی از ماموران ارشد ما با عجله سفرهایی را بعد از ساعات ممنوعیت رفت و آمد به شهرهایی که هشت و ده ساعت با پایتخت فاصله داشت بنمایند. ما توانستیم برای آنها اسناد جعلی درست کنیم که معلوم شد برای موفقیت ماموریتشان ضرورت کامل داشته است.

K. اطلاعات مربوط به شبکه های رادیو و تلگراف در دسترس خیلی مهم است. در ایران نیروی هوایی، ژاندارمری، ارتش، راه آهن هر کدام یک شبکه رادیویی دارند و شرکت نفت هم یک شبکه تلگرافی دارد. تعداد و برد شبکه های تلگرافی اغلب در هر کشوری شگفت انگیز است و به دلایل آشکاری باید خیلی دقیق مورد مطالعه قرار گیرد. در یک مرحله از عملیات تی پی ای جکس ما از سیستم آشکار تلگرافی حکومتی استفاده کردیم و عبارت ساده ای را برای مفاهیم عملیاتی بکار گرفتیم (پر اطناب نویسی). سیستم های تلفنی ابزار ساده ای برای نیروهای دوست و دشمن برای ارتباط با یکدیگر است و اطلاعات وقتی باید گردآوری شود که اداره های مرکزی شنود در کار نباشد در این صورت سوژه ها شناسایی می شوند. در ایران معروف بود که حزب توده به درون سیستم مخابراتی حکومت نفوذ کرده است. با وجود این حقیقت ما به همان سیستم اعتماد کردیم چرا که در آن زمان همه وسایل ارتباطی از کار افتاده بود. ناامنی این کار درک می شد اما در این شرایط ناگذیر از اعتماد به آن بودیم. مرکز مخابرات دفتر ستاد ارتش یا مرکز مخابراتی که رییس ستاد ارتش استفاده می کرد یگانه مهمترین پایگاه ارتباطی مخابراتی دشمن بود. اگر نتوان به این مرکز نفوذ کرد باید آن را بی طرف کرد یا ابزار ارتباطی دیگری را در آن به نفع نیروی دوست کار گذاشت.

L. گردآوری اطلاعات گاهی اوقات می تواند مفید باشد آنهم وقتی که سرهم کردن "بهانه ای برای عملیات" نیاز افتد. نفوذ های خوب به درون حکومت دشمن ممکن است اقدام های حکومت دشمن را که برای عموم برملا نشده است آشکار کند. در تلاش برای جذب افراد در خدمت هدف خود، نیاز داریم که وقتی انگیزه آنها کافی نیست، آنها را برانگیزانیم تا سبب شود با نیروی خودشان کار کنند. [این قسمت لاک گرفته شده بود.]

- A. دانش طراحی نظامی بیش از آنکه در این گزارش بتوان گنجانند عمیق و مشهور است. بدیهی است که آن دسته افسرانی که مسؤولیت طراحی نظامی را برعهده دارند باید تجارب تایید شده ای در تهیه این کار در نیروهای مسلح داشته باشند.
- B. علاوه بر پیشینه در طراحی نظامی، افسران باید در عملیات پنهان هم تجربه دیده باشند. مبنای کودتا امنیت است که اجرای غافلگیری عملیات را برایمان ممکن می سازد. مبنای امنیت هم مهارت خوب در جاسوسی عملیاتی است که تنها از طریق تجربه بدست می آید.
- C. ممکن است گفته شود که یک دفتر نظامی شامل تعدادی مامور محلی کافی خواهد بود تا از درون کشور هدف یا از بیرون آن کار طراحی ویژه محلی را برعهده گیرد. این اداره نظامی تنها زمانی می تواند عمل کند که از اطلاعات کامل و به روز نظامی برخوردار باشد.
- D. دفتر نظامی ممکن است از سوی رهبری که قرار است برای حکومت جدید دوست تعیین شود برگزیده شود یا متشکل از افرادی مستقل از نامزد رهبری باشد. در هر دو صورت مهارت در جاسوسی پنهانی یک ضرورت حیاتی است.
- E. اینکه مامور اداره سیا باید به این دفتر نظامی شناسانده شود یا خیر به وضعیت محلی بستگی دارد. در ایران ما دریافتیم که کار را باید به یک طراح اداره سیا [کرمیت روزولت] واگذار کنیم و او بعدا دریافت که خودش هم باید در عملیات همدوش با ماموران محلی در عملیات شرکت کند. روشن است که این اقدام یک خطر امنیتی اضافی است که در صورت امکان باید از آن پرهیز کرد.
- F. سیاهه های جلب توجه کردن های سیاسی باید در اختیار طراح نظامی اداره سیا قرار گیرد و این وظیفه اوست که نیروهای عمل کننده را بر طبق این سیاهه ها تعیین کند. مامور نظامی اداره سیا و دفتر نظامی باید اهداف نظامی و غیر نظامی را ترسیم کنند تا نیروهای دوست برای بی طرف کردن و تسخیرشان اقدام کنند.
- G. در صورت امکان شبکه رادیویی اداره سیا ویژه کودتا باید ایجاد شود تا مامور عملیاتی اداره سیا را با دفتر نظامی و این را هم بنوبه خود به سرفرماندهی ها و واحدهای فرماندهی

نیروهای دوست مرتبط کند. جایی که این مورد عملی نباشد باید به دیگر ابزار ارتباطی توجه بیشتری کرد. اما در همه وضعیت ها یک ابزار درجه اول و جایگزین ارتباطی در میان این عوامل باید ایجاد شود.

H. طراحی نظامی باید بر اساس این اصل متکی باشد که برخی عوامل در درون نیروهای دوست ما لو خواهند رفت و اینکه در چنین وضعی عملیات ما نباید از هم بپاشد. بنابراین علائم خطر باید در نظر گرفته شود تا بسته به اینکه چه کسی یا چه واحدهایی به حکومت دشمن لو رفته اند، حرکت از یک مرحله به مرحله دیگر را بطور خودکار اعلان کند. در ایران دلیل خوبی وجود داشت که باور کنیم علائم خطری که گفتیم پیش از تغییر حکومت در زنده نگاهداشتن عملیات کارساز باشد عملیاتی که برای یک بیرون نشین جز شکست انجامی نداشت.

I. طراحان نظامی ما باید احتمال وقوع جنگ داخلی را بپذیرند و در طرح خود اقداماتی را برای چنین پیامد احتمالی در نظر بگیرند. یک چنین پیامدی می تواند احتمالا شامل ضرورت ایجاد یک پایگاه امن برای حکومت دوست باشد. احتمالات و پیامدهای ناشی از جنگ داخلی تنها بر پایه تجزیه و تحلیل هر وضعیت محلی قابل مشاهده است ولی پیش بینی آنها دشوار نیست و حتما باید برای آن برنامه ریزی کرد.

J. ایجاد پایگاه ها و خانه های امن برای رابط های عملیاتی باید برنامه ریزی شود و پیش از آغاز فعالیت نیروهای دوست به اجرا در بیاید. چند خانه و پایگاه امن باید در نظر گرفته شود تا در صورتی که یک یا چند خانه امن از دست برود برای حفظ ارتباط با عوامل دوست مورد استفاده قرار گیرد. در مواردی هم که افراد اداره سیا همگی در داخل یک سفارت مستقر شده اند، وضعیت عملیاتی ایجاب می کند که خانه ها و پایگاه های امن برقرار شوند. این خانه های امن بهتر است به رادیو، تلفن مستقل یا بسته به وضعیت محلی به دیگر ابزار ارتباطی مجهز باشند. در مواقعی که نیاز به نگهداری پول، مهمات، تسلیحات، پوشاک، غذا و اسناد باشد برای این خانه های امن باید صندوق های ایمنی تهیه کرد که قادر به حفاظت از آنها باشد.

K. اقلام حمایتی نظیر انواع خودرو، تاکسی و دیگر وسایل نقلیه باید تدارک دیده شود و خیلی پیشتر از شروع عملیات حاضر و آماده نگاه داشت.

J. رده بندی افراد و واحدهایی که نیروهای دوست را تشکیل می دهند در صورت امکان باید عملی گردد. در صورتی که بخشی از عملیات ما لو برود حیاتی است که در بازجویی همه امکانات ما برملا نشود.

M. اعضای دفتر نظامی در هیچ شرایطی نباید در عملیات شرکت فعالانه ای داشته باشند چرا که در زیر بازجویی ممکن است در وضعی قرار بگیرند که بیش از اندازه افشاء کنند.

N. هیات نظامی باید شامل هر دو گروه ماموران ستادی و رزمی باشد و ممکن است در شرایط محلی تعداد بیشتری کارشناس عملیاتی مورد نیاز باشد. یک مامور ستادی ارتباطات بسیار مفید خواهد بود.

O. احتمال های پاتک بر ضد ایالات متحده همواره باید در پس ذهن همه ماموران اداره سیا که در این نوع عملیات شرکت دارند جای بگیرد. عملیات معدودی مثل این حالت انفجاری دارند. این حقیقت موجب می شود که انتصاب ورزیده ترین و مجرب ترین مامورانی که بتوان پیدا کرد ضرورت یابد.

P. طراحی نظامی باید احتمال شکست کامل را در نظر بگیرد و در نتیجه باید برنامه عقب نشینی را هم برای افراد اداره سیا و نیروهای محلی که ممکن است برملا شوند در برگیرد. عملیات انتقال وابسته های نظامی آمریکا و شبکه های فرار و نجات دیگر امکانات عملیاتی ممکن است بالاجبار به اجرا درآید. اگر هیچیک از این امکانات در دسترس نبود پیش از عملیات باید مخفیگاه هایی پیش بینی شوند و در سراسر این مدت حاضر و آماده نگاه داشته شود.

Q. تا جایی که توانایی ما اجازه می دهد باید تلاش کنیم که به تعهد خود در قبال افراد دوست عمل کنیم. در ایران ما به رشوه روی نیاوردیم چرا که ما احساس کردیم افسرانی که رشوه

بگیرند ممکن است در صورت بروز مشکلی طاقت فرسا یعنی شکنجه، عملیات را لو دهند.

در ایران ما یک سنت [خردترین پول آمریکایی] هم برای خریدن افسران خرج نکردیم.

R. درباره مساله سرپرستی و نگهداری از همسران و خانواده های افسران دوست هم باید مأل اندیشی کرد.

S. در مواردی که سلاح های آمریکایی در حوزه محلی بومی نشده است، احتمال استفاده از سلاح های ساخت خارج را باید بخوبی در نظر گرفت. [این قسمت همچنان محرمانه مانده است.]

T. [این قسمت همچنان محرمانه مانده است.]

U. [این قسمت همچنان محرمانه مانده است.]

V. [این قسمت همچنان محرمانه مانده است.]

W. [این قسمت همچنان محرمانه مانده است.]

X. بدیهی است برای پرهیز از هرگونه سردرگمی از خیلی پیشتر باید یک فهرست کامل از انتصابات افسران در ارتش جدید تهیه شود.

Y. در صورت امکان خیلی بهتر است که از سیستم تدارکاتی ارتش محلی استفاده کرد تا اینکه یک مخفیکاری جدیدی براه انداخت. در نتیجه خیلی بهتر است که عملیات را در درون کشور انجام داد تا از خارج مرزها. همچنین انجام عملیات زمانی بسیار ساده تر است که ماموران اداره سیا در محل مستقر باشند تا اینکه در خارج کشور. پوشش کامل افراد برای جلوگیری از پاتک شدید در هر زمان ممکن باید رعایت شود.

<sup>۱</sup> <http://www.gwu.edu/~nsarchiv/NSAEBB/NSAEBB28/#documents>

<sup>۲</sup> SCIOLINO ELAINE, **Mossadegh: Eccentric Nationalist Begets Strange History**, April 16, 2000, Sunday Foreign Desk , 767 words

در این مقاله آمده است که به استثناء آیه الله خمینی پدر انقلاب ایران، هیچ رهبری عمیق تر از محمد مصدق در چشم انداز قرن بیستم ایران تاثیر نگذاشته است. و هیچ واقعه ای هم در قزن بیستم بیشتر از سرنگونی وی موجب سوء ظن ایران نسبت به ایالات متحده نشده است. نگاه کنید به:

<http://archives.nytimes.com/archives/search/fastweb?getdoc+allyears2-qpass+db365+538092+2+wAAA+iran%7Ecoup%7E>

<sup>۳</sup> شرح حال کرمیت روزولت با عنوان "مبتکر کودتای سیا که شاه ایران را در ۱۹۵۳ [۱۳۳۲] به تخت طاووس بازگرداند" در تاریخ ۱۶ جون ۲۰۰۰ برابر با ۱۳۷۹/۳/۲۷ در تایمز لندن به چاپ رسیده است که خلاصه ای از آن بدین شرح است:



کرمیت روزولت که بطور خلاصه کیم نامیده می شد در ۱۹۱۶ در بوینس آیرس در یک خانواده کاملاً سیاسی بدنیا آمد. او نوه تئودور روزولت و از بستگان دور فرانکلین روزولت دو رئیس جمهور مشهور آمریکا بود و پدر او هم در امور بانکداری و حمل و نقل کار می کرد. وی در هاوارد تحصیل کرده بود و پیش از آنکه به دفتر خدمات راهبردی **Office of Strategic Services** وابسته به اداره سیا بپیوندد مدتی هم بکار تدریس اشتغال داشت. او کارشناس امور خاورمیانه شد و از پایگاه خود در واشنگتن بارها به منطقه خاورمیانه مسافرت کرد. او در حالیکه مؤدب و فروتن بود ولی همچون همکار خود فیلی که برای شوروی ها جاسوسی می کرد خود نیز تا "گلو در حیلله های کثیف" فرو رفته بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحت حمایت سیا که به سقوط مصدق (نخست وزیري که می خواست مستقلانه عمل کند) و بازگشت شاه به تخت طاووس انجامیده بود، شاه در حالی که بعضی گلویش را گرفته بود برای سپاسگزاری از روزولت گفت: "من سلطنتم را به خدا، مردم، ارتشم و به تو مدیونم." روزولت با ذکر این مطلب و تشریح این وقایع در کتاب "ضد کودتا: مبارزه برای مهار ایران" که در سال ۱۹۷۹ به چاپ رسید (در ایران نیز بنام کودتا ترجمه شده است) به روشی نشان داد که وی هیچگونه احساس گناه و پشیمانی نسبت به دخالت آمریکا در ایران نمی کرد و هیچ تردیدی نسبت به درستی این اقدام بخود راه نمی داد.

روزولت در ۱۹۵۸ اداره سیا را ترک کرد و حدود شش سال در شرکت نفت خلیج مشغول بکار شد. از آن پس تقاضاهای بسیاری از وی برای مشاوره در شرکت ها و دوایر دولتی و غیر دولتی آمریکایی که با امور خاورمیانه سروکار داشتند به وی شد. وی در ۸ جون ۲۰۰۰ برابر با ۱۹/۳/۱۳۷۹ در سن ۸۴ سالگی درگذشت. از وی همسرش ماری با سه پسر بازمانده است. منبع:

<http://www.the-times.co.uk/news/pages/tim/2000/06/16/timobiobi03004.html>